

## مقایسه رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل با زوجین تک شاغل با توجه به سلامت عمومی آنان

معصومه خسروی

سعید اعظمی<sup>۲</sup>

علی الهی فر<sup>۳</sup>

مینا دکانی<sup>۴</sup>

### چکیده

امروزه به دلیل تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی، شاهد افزایش روند اشتغال زنان می‌باشیم. اشتغال زنان متأهل کیفیت روابط زوجین با یکدیگر، نحوه تربیت فرزندان و سایر جنبه‌های زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس به مقایسه رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل با زوجین تک شاغل با توجه به میزان سلامت عمومی آنان پرداخته شد.

روش پژوهش، مقایسه‌ای از نوع پس رویدادی است که بر روی دو گروه، ۴۰ زوج هر دو شاغل و ۴۰ زوج تک شاغل (دارای زنان خانه دار)، که به صورت خوشه‌ای تصادفی از بین زوج‌های ساکن شهر دامغان انتخاب شده بودند، اجرا شد. تمامی زوج‌های انتخاب شده، حداقل ۲ سال از زندگی مشترک‌شان می‌گذشت و دارای فرزند بودند. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ و پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-۲۸) استفاده شد. داده‌ها از طریق آزمون تحلیل کوواریانس دو راهه و آزمون تحلیل کوواریانس یک راهه (ANCOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

سلامت عمومی به عنوان متغیر همراه اثر معناداری بر رضایت زناشویی داشت ( $P < 0/001$ ). در زوجین هر دو شاغل میزان رضایت زناشویی زنان بیش‌تر از همسران‌شان بود به‌علاوه زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار از رضایت زناشویی بیش‌تری برخوردار بودند. در زوجین تک شاغل بین میزان رضایت زناشویی

۱- استادیار دانشگاه سمنان.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی.

۳- کارشناس روانشناسی بالینی، دانشگاه سمنان.

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

مردان و همسرانشان تفاوتی یافت نشد. رضایت زناشویی مردان دارای همسر خانه دار بیش تر از مردان دارای همسر شاغل بود.

به طور کلی می‌توان گفت که عوامل متعددی در میزان رضایت زناشویی دخیل می‌باشد و اشتغال زنان یکی از این موارد می‌باشد که رعایت برخی شرایط از سوی طرفین، می‌تواند رضایت زناشویی را افزایش دهد.

**واژگان کلیدی:** رضایت زناشویی، زوجین هر دو شاغل، زوجین تک شاغل، زنان شاغل، زنان خانه‌دار

### مقدمه

ازدواج، یکی از مهم‌ترین رویدادهایی است که بر زندگی فرد و میزان بهزیستی وی مؤثر می‌باشد (استاتزر و فری، ۲۰۰۶) که از طریق آن طرفین ضمن حفظ استقلال نسبی، در جهت تکامل شخصیت و شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های یکدیگر تلاش می‌کنند (نورانی پور، بشارت و یوسفی، ۱۳۸۶). معمولاً پذیرش سلیقه‌ها و رفتار همسر و یا به عبارت دیگر، بروز رفتارهای مقبول از سوی همسر می‌تواند روابط مناسب دو طرفه‌ای را شکل دهد و زمینه را برای برقراری تفاهم در بین زوجین ایجاد کند (رزن گراندن، مایر و هتی، ۲۰۰۴). رضایت زناشویی به عنوان شاخصی از کیفیت روابط بین زوجین، تنها زمانی حاصل می‌شود که بین وضعیت فعلی فرد در رابطه زناشویی خویش با وضعیت مورد انتظارش، سازگاری و تطابق وجود داشته باشد (وینچ به نقل از حسین خان زاده و نیازی، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیش تر مواقع احساس خوشبختی و رضایت از هم دیگر داشته باشند (تانی گوچی، فریمن، تیلور و مالکارن، ۲۰۰۶).

امروزه در جوامع مدرن، به دلایل متعددی نظام خانواده تغییر یافته و همراه با فشارهای اجتماعی-اقتصادی، نقش مورد انتظار زنان، تغییر چشم‌گیری کرده است (راترا و موثر، ۲۰۰۴) و تعداد زنان شاغل متأهل به عبارت دیگر زوجین هر دو شاغل، روز به روز افزایش پیدا کرده، به الگوی خانوادگی رایجی تبدیل شده است (هادوک، ۲۰۰۲). به طوری که سهم مشارکت زنان در محیط کاری از ۳۸ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۴۱ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است (روحانی و ابوطالبی، ۱۳۸۸). در ایران نیز مشارکت زنان در محیط‌های کاری به بعد از انقلاب مشروطیت بر می‌گردد به طوری که در اواخر دوره قاجاریه، دستمزد زنان به اندازه مردان کارگر بوده است (گرسی و قربان زاده، ۱۳۸۶). در ابتدا انگیزه اصلی زنان برای کار مسائل مالی و کمک به وضعیت اقتصادی خانواده بوده، ولی امروزه علاوه بر موارد فوق اشتغال برای زنان به منبعی برای افزایش عزت نفس، کسب استقلال و موفقیت‌های فردی و اجتماعی تبدیل شده است (جوهری پارک، ۲۰۰۰ به نقل از روحانی و ابوطالبی، ۱۳۸۸).

مسأله اقتصادی در زندگی زناشویی، جز عوامل بسیار مهمی است که بالقوه می‌تواند اثرات مثبت و منفی بر روی خشنودی زناشویی<sup>۱</sup> بگذارد. طبق نتایج حاصل از مطالعات مختلف، استرس مالی بالاترین سهم را در ناراضیتهای زناشویی دارد به طوری که زوج‌هایی که دائماً بر سر مسائل مالی با هم نزاع دارند، رابطه زناشویی شان را شکست خورده می‌پندارند (داکین و وامپلر، ۲۰۰۸). از یک طرف اعتقاد بر این است که زوجین دارای درآمد بالا، سطح رضایت زناشویی بالاتری نیز برخوردارند و از طرف دیگر مشخص شده که پول، تاثیر کمی بر روی خشنودی زناشویی دارد (بکچتی و روزتی، ۲۰۰۹).

از زمانی که میزان مشارکت زنان در محیط‌های کاری افزایش یافت، مطالعات بسیاری به بررسی میزان اثرات مثبت و منفی این موضوع بر روی رضایت زناشویی آنان پرداخته است (پریس- بومن و مورفی، ۱۹۸۰؛ کمپل و اسنو، ۱۹۹۲؛ نورل و نورل، ۱۹۹۶؛ میتر و آگرونو، ۱۹۸۲ به نقل از جین کینگ، ۲۰۰۵). اشتغال زنان و تاثیر آن بر رضایت زناشویی از دو بعد قابل بررسی می‌باشد، از یک طرف با شاغل شدن زنان میزان درآمد خانواده افزایش می‌یابد و منجر به ثبات وضعیت مالی و اقتصادی خانواده، دور شدن آنان از استرس‌های مالی می‌شود (راجرز و دی بوئر، ۲۰۰۱). از طرف دیگر، اشتغال زن و نیز افزایش میزان درآمد وی، باعث تغییر نقش‌ها در روابط زوجین می‌شود، به طوری که برخی اوقات منجر به انزجار شوهر از اشتغال همسر خود و به نوعی انزجار شوهر از تلاش همسرش برای تغییر نقش‌ها در روابطشان می‌شود (بارتلی، جودگ و جودگ، ۲۰۰۷) و در نتیجه بر میزان بهزیستی و رضایت زناشویی آن تاثیر منفی می‌گذارد.

طبق پژوهش‌های دانکن، هاروی، سومر و لووتسانگ (۲۰۰۳) میزان رضایت زناشویی در زوجین هر دو شاغل از زوجین تک شاغل بیشتر می‌باشد. معمولاً در زوجین هر دو شاغل، مردان مسؤلیت بیشتر- تری را در خانه به عهده دارند و میزان رضایت زناشویی بین آنان با برقراری روابط مساوی و نیز تقسیم مسؤلیت خانه، افزایش می‌یابد (راجرز و دی بوئر، ۲۰۰۱). اما از طرف دیگر برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ساختار خانواده با شاغل شدن هر دو زوج، منجر به تعارض بیشتر و شادی کم‌تر و مبهم شدن نقش جنسیتی می‌شود (نظری و سلیمانیان، ۱۳۸۶)، هم‌چنین لاگران و زیسی مپلوس (۲۰۰۷) معتقدند با شاغل شدن زن، میزان زمانی را که وی به خانواده خود (شوهر، تربیت فرزندان و ...) اختصاص می‌دهد، کاهش می‌یابد از این رو مشکلات بین فردی و درون فردی در خصوص تربیت و مراقبت از فرزندان، کار در خانه و ... بین آنان افزایش می‌یابد (هالفورد، ۲۰۰۲، گاتمن، ۱۹۹۳) و حتی نرخ طلاق را در بین آنان افزایش می‌دهد. برخی از متخصصان معتقدند که حضور زنان در محیط‌های کاری پر استرس و تنش‌زا، تاثیر منفی بر روی سلامت عمومی و بهزیستی روانی آنان می‌گذارد (هال، ۱۹۹۶)، به‌علاوه وقتی هر یک از زوجین به هر دلیلی عدم سلامتی و بهزیستی کامل (مثلاً دچار افسردگی،

1- marital happiness

2 - Becchetti &amp; Rossetti

3- Bartley, Judge &amp; Judge

اضطراب و ...) شوند، به دلیل عدم کنترل و تنظیم مناسب هیجانی و نیز کاهش آستانه تحمل وی، فرد بسیار تحریک پذیر می‌شوند و همین امر منجر به افزایش میزان تعارضات و بروز تنش و درگیری بین زوجین می‌گردد و در نهایت رضایت زناشویی آنان را کاهش می‌دهد (دیویس و همکاران، ۲۰۱۰؛ بادر و کارمک، ۲۰۰۹). به علاوه مشخص شده که چه در مردان و چه در زنان مربوط به زوجین هر دو شاغل، سطوح بالای تعارض نقش<sup>۱</sup> با سطوح پایین رضایت زناشویی مرتبط می‌باشد (میتزر و آگرونو، ۱۹۸۲ به نقل از جین کینگ، ۲۰۰۵).

در حقیقت مسائل اقتصادی و اجتماعی از یک طرف و پیشرفت علم و تکنولوژی از طرف دیگر، نه تنها خانواده‌های ایرانی را از لحاظ شیوه زندگی، روابط خانوادگی، تعاملات اجتماعی، نگرش‌ها و علائق نسبت به امور اجتماعی تغییر داده، بلکه اشتغال زنان را نیز موجب شده است، به طوری که فعالیت زنان خارج از چهارچوب خانواده در طی چند دهه گذشته به ویژه در جوامع شهری تدریجاً اهمیت یافته، مسائلی را در زمینه رضایت‌مندی از زندگی زناشویی ایجاد کرده است و پژوهش‌های متعددی در این باره نتایج متناقضی نشان می‌دهند. از یک طرف اعتقاد بر این است که با شاغل شدن زنان، وضعیت اقتصادی خانواده بهتر می‌شود و در نتیجه میزان رضایت زناشویی زوجین افزایش می‌یابد، از طرف دیگر برخی معتقدند که اشتغال زنان نه تنها باعث کاهش مدت زمانی می‌شود که آنان برای خانواده خود صرف می‌کند بلکه منجر به تعارض و درهم آمیختگی نقشی در روابط زناشویی آنان می‌شود، در نتیجه میزان رضایت زناشویی را در زوجین (حداقل برای شوهران) کاهش می‌دهد.

از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه میزان رضایت زناشویی بین زنان و مردان در زوجین هر دو شاغل و زوجین تک شاغل (دارای زنان خانه دار) می‌باشد که بر این اساس سه فرضیه پژوهشی به شرح زیر مطرح می‌شود:

- ۱- بین میزان رضایت زناشویی مردان و زنان با در نظر گرفتن سلامت عمومی به عنوان متغیر همراه تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین میزان رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل و زوجین تک شاغل با در نظر گرفتن سلامت عمومی به عنوان متغیر همراه تفاوت وجود دارد.
- ۳- رضایت زناشویی با در نظر گرفتن سلامت عمومی به عنوان متغیر همراه، تابعی از جنسیت و اشتغال زوجین می‌باشد.

### روش پژوهش

روش این پژوهش، مقایسه‌ای از نوع پس رویدادی است. نمونه مورد پژوهش شامل دو گروه زوج، هر دو شاغل و تک شاغل (دارای زنان خانه دار) می‌باشد (هر گروه ۴۰ زوج) که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از بین زوج‌های شهر دامغان انتخاب شده‌اند. در ابتدا از بین ۷ منطقه دامغان ۳ منطقه به طور

تصادفی انتخاب شدند و سپس به طور تصادفی به درب منازل موجود در مناطق انتخاب شده مراجعه و به دارندگان شرایط لازم (گذشت حداقل ۲ سال از زندگی مشترکشان) ضمن یک توضیح اجمالی، پرسشنامه‌ها داده شد و روز بعد تحویل گرفته شد. از دیگر شرایط لازم برای انتخاب اعضای گروه نمونه، شاغل بودن زن و شوهر در گروه زوجین هر دو شاغل، و نیز خانه دار بودن زن در گروه تک شاغل بود. بعد از جمع آوری داده‌ها از آزمون‌های تحلیل کوواریانس دو راهه و آزمون تحلیل کوواریانس یک راهه (ANCOVA) برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

### ابزار پژوهش

**پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ:** رضایت زناشویی را میزان رضایت هر یک از طرفین، از کیفیت کلی روابطشان با همدیگر تعریف کرده‌اند (بلنچ فوور و اوسوالد، ۲۰۰۴). به منظور بررسی میزان رضایت زناشویی از پرسشنامه سنجش رضایت زناشویی انریچ استفاده شد. السون و فرینر در سال ۱۹۸۹ برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی عوامل قوت و پربار رابطه زناشویی، این پرسشنامه را تهیه کرده‌اند. این پرسشنامه دارای ۱۱۵ سوال می‌باشد که توسط سلیمانیان (به نقل از احدی، ۱۳۸۶) یک فرم کوتاه ۴۷ سؤالی از آن تهیه شده است. در مقابل هر گویه پنج گزینه از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) بر اساس مقیاس لیکرت قرار دارد. فرقانی (۱۳۸۲) پایایی این پرسشنامه را ۸۶٪ گزارش کرده است به علاوه احدی (۱۳۸۶) ضریب آلفای آن را ۹۱٪ گزارش کرده است.

**پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ):** سلامتی عبارت است از رفاه کامل جسمی، روحی، اجتماعی و معنوی و نه فقط نداشتن بیماری و معلولیت. در سال ۱۹۷۹ پرسشنامه GHQ-۲۸ توسط گلدبرگ و هیلر تهیه شده است. این پرسشنامه ناراحتی‌هایی با طول مدت کمتر از دو هفته را شناسایی می‌کند و نسبت به بیماری‌های زودگذر و اختلالات خفیف روانی، حساس می‌باشد و دارای ۴ مقیاس فرعی به نام‌های علائم جسمی، علائم اضطرابی و اختلال خواب، کارکرد اجتماعی، علائم افسردگی است. در نمره گذاری از سیستم لیکرت ۴ گزینه‌ای استفاده شده است و دامنه نمرات هر آزمودنی بین صفر تا ۸۴ می‌باشد و کسب نمرات بالاتر، نشانه‌ی اختلال شدیدتر در سلامت عمومی است. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این پرسشنامه ۰/۹۱ می‌باشد (جعفری، صدری و فتحی مقدم، ۱۳۸۶).

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش دو گروه، ۴۰ زوج هر دو شاغل با میانگین سنی (۳۷ مرد- ۳۳ زن) و ۴۰ زوج تک شاغل با میانگین سنی (۳۲ مرد- ۲۹ زن)، در مجموع ۱۶۰ نفر شرکت داشتند که دارای فرزند بوده و حداقل ۲ سال از زندگی مشترکشان می‌گذشت.

جدول ۱- تحلیل کواریانس دو راهه برای مقایسه رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل با تک شاغل بر حسب جنسیت با متغیر همراه سلامت عمومی

منابع تغییر شاخص	مجموع مجذورات	دامنه تغییرات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
سلامت عمومی	۲۶۳۶۹/۸۰۵	۱	۲۶۳۶۹/۸۰۵	۳۵/۸۰۵	۰/۰۰۰۱
جنسیت	۱۲۹۴/۴۳۵	۱	۱۲۹۴/۴۳۵	۱/۷۵	۰/۱۸۷
نوع زوجین	۲۴۹/۹۴۴	۱	۲۴۹/۹۴۴	۰/۳۳۹	۰/۵۶۱
جنسیت و نوع زوجین	۱۰۷۶۱/۹۷۸	۱	۱۰۷۶۱/۹۷۸	۱۴/۶۱۳	۰/۰۰۰۱
خطا	۱۴۰۵۲۴/۵۵	۱۵۶	۷۳۶/۴۸۲		
مجموع	۴۲۵۷۷۲	۱۶۰			

همان گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، بین میزان رضایت زناشویی زنان و مردان در حالت کلی ( $F=۰/۰۴۷$ ,  $P>۰/۰۵$ ) و نیز بین میزان رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل و تک شاغل ( $F=۰/۱۶۰$ ،  $P>۰/۰۵$ ) تفاوت معناداری وجود ندارد. تنها رضایت زناشویی افراد در تعامل بین دو متغیر جنسیت با نوع زوجین (هر دو شاغل / تک شاغل) با در نظر گرفتن سلامت عمومی به عنوان متغیر همراه تفاوت معنادار دارد ( $F=۱۲/۰۸۹$ ،  $P<۰/۰۰۱$ ). به منظور روشن شدن نحوه تأثیر تعامل این دو متغیر بر روی میزان رضایت زناشویی زوجین، بر طبق شیوه تحلیل اثرات ساده که در کتاب اندی فیلد (۲۰۰۵، ص ۴۱۳) ارائه شده، از آزمون تحلیل کواریانس یک راهه (ANCOVA) استفاده شد که نتایج آن در جداول (۲) تا (۶) ارائه گردید.

جدول ۲- شاخص های توصیفی تحلیل کواریانس یک راهه برای رضایت زناشویی بر حسب نوع زوجیت و جنسیت با متغیر همراه سلامت عمومی

تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	وضعیت	
۴۰	۲۴/۵۶۲۷	۱۵۲/۴۲۵۰	مرد شاغل	رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل
۴۰	۳۰/۴۱۹۲	۱۶۹/۹۵	زن شاغل	
۴۰	۳۱/۲۸۳۵	۱۷۰/۸۲۵	مرد شاغل	رضایت زناشویی زوجین تک شاغل
۴۰	۳۳/۱۰۳۹	۱۵۵/۳۵	زن خانه دار	
۴۰	۳۰/۴۱۹۲	۱۶۹/۹۵	شاغل	رضایت زناشویی زنان
۴۰	۳۳/۱۰۳۹	۱۵۵/۳۵	خانه دار	
۴۰	۲۴/۵۶۲۷	۱۵۲/۴۲۵	دارای زن خانه دار	رضایت زناشویی مردان
۴۰	۳۱/۲۸۳۵	۱۷۰/۸۲۵	دارای زن شاغل	

جدول ۳- تحلیل کوواریانس یک راهه برای مقایسه رضایت زناشویی بین زوجین هر دو شاغل با متغیر همراه سلامت عمومی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	سطح معناداری
سلامت عمومی	۶۰۲۵/۴۶۶	۱	۶۰۲۵/۴۶۶	۸/۶۵۷	۰/۰۰۴
جنسیت	۸۲۰۳/۴۲۳	۱	۸۲۰۳/۴۲۳	۱۱/۷۸۶	۰/۰۰۱
خطا	۵۳۵۹۲/۲۰۹	۱۱	۶۹۶/۰۰۳		
مجموع	۲۱۴۴۲۷۳	۸۰			

جدول (۳) مربوط به مقایسه میزان رضایت زناشویی در بین زوجین هر دو شاغل می‌باشد و بیان گر آن است که میزان رضایت زناشویی در زنان شاغل (با در نظر گرفتن سلامت عمومی به عنوان متغیر همراه) به طور معناداری بیش تر از همسران خود در زوجین هر دو شاغل می‌باشد ( $F=11/786$ ,  $P<0/01$ ). در طرف دیگر، با توجه به جدول (۴) در بین زوجین تک شاغل (زن خانه دار)، میزان رضایت زناشویی مردان و زنان (با در نظر گرفتن سلامت عمومی به عنوان متغیر همراه) تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود ( $P>0/05$ ).

جدول ۴- تحلیل کوواریانس یک راهه برای مقایسه رضایت زناشویی بین زوجین تک شاغل با متغیر همراه سلامت عمومی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	سطح معناداری
سلامت عمومی	۲۴۱۱۱/۸۱۴	۱	۲۴۱۱۱/۸۱۴	۳۲/۶۹	۰/۰۰۰۱
جنسیت	۱۴۳۳/۷۳۵	۱	۱۴۳۳/۷۳۵	۱/۹۴۴	۰/۱۶۷
خطا	۵۶۷۹۵/۰۶۱	۷۷	۷۳۷/۵۹۸		
مجموع	۲۲۱۳۴۹۹	۸۰			

جدول (۵) نتایج مربوط به مقایسه رضایت زناشویی در زنان شاغل و خانه دار دو گروه زوجین هر دو شاغل و تک شاغل را ارائه می‌دهد که با توجه به آن میزان رضایت زناشویی زنان خانه دار (با در نظر گرفتن سلامت عمومی به عنوان متغیر همراه) به شکل معناداری بیش تر می‌باشد ( $F=8/114$ ,  $P<0/01$ ). در طرف مقابل با توجه به جدول (۶) میزان رضایت زناشویی مردان دارای همسر خانه دار (با در نظر گرفتن سلامت عمومی به عنوان متغیر همراه) نسبت به مردان دارای همسر شاغل بیشتر می‌باشد ( $F=5/285$ ,  $P<0/05$ ).

جدول ۵- تحلیل کوواریانس یک راهه برای مقایسه رضایت زناشویی بین زنان شاغل و خانه دار با متغیر همراه سلامت عمومی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معناداری
سلامت عمومی	۱۴۴۰۴/۸۹۷	۱	۱۴۴۰۴/۸۹۷	۱۷/۲۱۷	۰/۰۰۰۱
نوع زوجین	۶۷۸۸/۷۷۱	۱	۶۷۸۸/۷۷۱	۸/۱۱۴	۰/۰۰۶
خطا	۶۴۴۲۲/۱۰۳	۷۷	۸۳۶/۶۵۱		
مجموع	۲۱۹۹۴۹۲	۸۰			

جدول ۶- تحلیل کوواریانس یک راهه برای مقایسه رضایت زناشویی مردان دارای زنان خانه دار و شاغل با متغیر همراه سلامت عمومی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معناداری
سلامت عمومی	۱۲۱۹۵/۹۹۴	۱	۱۲۱۹۵/۹۹۴	۱۸/۹۷۱	۰/۰۰۰۱
نوع زوجین	۳۳۹۷/۷۸۲	۱	۳۳۹۷/۷۸۲	۵/۲۸۵	۰/۰۲۴
خطا	۴۹۵۰۱/۵۵۶	۷۷	۶۴۲/۸۷۷		
مجموع	۲۱۵۸۲۸۰	۸۰			

## بحث و نتیجه گیری

همان طور که گفته شد در عصر حاضر به دلیل افزایش تعداد زنانی که به ادامه تحصیلات عالی می-پردازند، و نیز گسترش حیطه کاری آنان و هم چنین اتکا بیش تر خانواده به درآمد آنان برای تامین مخارج و رقابتی بودن محیط کار (موزورکویچ، ۲۰۰۰)، توجه متخصصان زیادی را به مقایسه رضایت زناشویی این گروه از زنان در برابر زنانی که به شیوه سنتی پایبند بوده و خانه دار می باشند، جلب کرده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین رضایت زناشویی زنان و مردان، و نیز زوجین هر دو شاغل و تک شاغل با توجه به میزان سلامت عمومی آنان به عنوان متغیر همراه، تفاوتی وجود ندارد. این یافته با نتایج دانکن و همکاران (۲۰۰۳) هم سو نمی باشد. اما هوستون، کالگین، هاتس و اسمیت (۲۰۰۱) نیز در پژوهش خود تفاوتی را بین رضایت زناشویی زنان و مردان گزارش نکردند. به علاوه مشخص شد که میزان رضایت زناشویی افراد در تعامل بین دو متغیر جنسیت با نوع زوجین (هر دو شاغل/ تک شاغل) تفاوت معنادار دارد. در بررسی که جهت روشن تر شدن این تعامل صورت گرفت مشخص شد، در زوجین هر دو شاغل میزان رضایت زناشویی زنان بیش تر از همسران خود می باشد. به علاوه معلوم شد، میزان رضایت زناشویی زنان شاغل بیش تر از زنان خانه دار می باشد. این یافته با برخی از نتایج مطالعات قبلی هم سو می باشد (راجرز و دی بوئر، ۲۰۰۱؛ داکین و وامپلر ۲۰۰۸؛ دانکن و همکاران، ۲۰۰۳؛ نظری و سلیمانیان، ۱۳۸۶). زنان با اشتغال به استقلال مالی دست پیدا می کنند و از طریق آن می توانند به بهبود وضعیت اقتصادی خانواده کمک کنند، از این رو عزت نفس آنان افزایش یافته و در رابطه زناشویی خویش احساس سودمندی و کارایی می کنند که منجر به افزایش رضایت زناشویی آنان می شود.



از دیگر نتایج این پژوهش، بیش‌تر بودن میزان رضایت زناشویی مردان دارای زن خانه دار نسبت به مردان دارای زن شاغل با در نظر گرفتن سلامت عمومی به عنوان متغیر همراه می‌باشد. این نتیجه با برخی از پژوهش‌های پیشین از جمله (بکچتی و روزتی، ۲۰۰۹؛ بارتلی و همکاران، ۲۰۰۷؛ لاگران و زیسی موپلوس، ۲۰۰۷) هم سو می‌باشد. به علاوه مشخص شد که بین میزان رضایت زناشویی مردان نسبت به همسرانشان در زوجین تک شاغل (دارای زنان خانه دار) با در نظر گرفتن سلامت عمومی به عنوان متغیر همراه، تفاوت معناداری وجود ندارد. در زوجین تک شاغل به علت خانه دار بودن زنان، آنان زمان کافی را برای رسیدگی به امور داخلی منزل و نیز نقش مادری خود در تربیت فرزندان دارا می‌باشند از این رو مردان در خانواده‌های تک شاغل احساس رضایت‌مندی بیش‌تری نسبت به مردان در زوجین هر دو شاغل از زندگی زناشویی خود دارا می‌باشد. زنان با قبول نقش‌های اقتصادی و پذیرش شغل در خارج از منزل، به سنگینی وظایف و مسئولیت خود در خانواده می‌افزایند، در نتیجه ممکن است زیر بار این فشار زیاد، نتوانند دوام آورند و در مسئولیت‌های خویش در قبال همسر و فرزندان اهمال ورزند و در نتیجه اشتغال، زمان کمتری را نیز با خانواده سپری نمایند که این امر خود زمینه را برای ایجاد تعارضات زناشویی و عدم رضامندی شوهران افزایش می‌دهد. به‌علاوه نوع شغل زنان و مدت زمان آن نیز مهم می‌باشد به طوری که گودمن و کروتر (۲۰۰۹) معتقدند کاهش میزان بهزیستی در محیط‌های کاری، می‌تواند منجر به کاهش میزان رضایت زناشویی شود.

به طور کلی طبق نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت که عوامل متعددی در میزان رضایت زناشویی دخیل می‌باشد و اشتغال زنان یکی از این موارد می‌باشد. در صورتی که زنان در شغلی متناسب با استعداد و علایق خود، به صورت پاره وقت و نه دائم مشغول به فعالیت شوند و در عین استقلال مالی که در پی اشتغال به دست می‌آورند، دچار تعارض و سردرگمی نقش نشوند و به نقش خود به عنوان یک زن و مادر در خانه عمل نمایند به‌علاوه به نقش همسر خویش به عنوان مدیر خانه احترام بگذارند و مردان نیز به زنان شاغل خویش در وظایف منزل کمک نمایند، اشتغال آنان می‌تواند تأثیر مثبتی بر روی رضایت زناشویی زوجین بگذارد.

## منابع

- احدی، بتول. (۱۳۸۶). **رابطه شخصیت و رضایت زناشویی**. روانشناسی معاصر، دوره ۲، شماره ۲، ۳۱-۳۶.
- جعفری، اصغر، صدری، جمشید، فتحی مقدم، قربان. (۱۳۸۶). **رابطه بین کارآیی خانواده، دینداری و سلامت روان و مقایسه آن در بین دانشجویان دختر و پسر**. تازه ها و پژوهش های مشاوره، دوره ۶ شماره ۲۲، ۱۰۷-۱۱۵.
- روحانی، عباس، ابوطالبی، حمیرا. (۱۳۸۸). **رابطه رضایت زناشویی و شادکامی با نوع اشتغال زنان**. تازه های روان شناسی صنعتی-سازمانی، سال ۱، شماره ۱، ۵۵-۶۲.
- فرقانی، رضوان. (۱۳۸۲). **بررسی اثر بخشی آموزش شناختی - رفتاری بر رضایت زناشویی زوجین**. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- گروسی، سعیده، قربان زاده، رضا. (۱۳۸۸). **بررسی تاثیر برخی عوامل موثر بر میزان رضایت شغلی و امکان ارتقای شغلی زنان شاغل: شهر کرمان**. مجله مطالعات زنان، سال ۱، شماره ۳، ۳۳-۵۵.
- نظری، علی محمد، سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۸۶). **بررسی و مقایسه رضایت زناشویی زوج های هردو شاغل و یکی شاغل**. تازه ها و پژوهش های مشاوره، دوره ۶ شماره ۲۴، ۱۰۳-۱۲۲.
- نورانی پور، رحمت الله، بشارت، محمد علی، یوسفی، اسکندر. (۱۳۸۶). **بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین ساکن در مجتمع پژوهشگران جوان دانشگاه شهید بهشتی**. تازه ها و پژوهش های مشاوره، دوره ۶ شماره ۲۴، ۲۷-۳۹.
- Badr, H., & Carmack, T.C.L. (2009). **Sexual dysfunction and spousal communication in couples coping with prostate cancer**. Journal of Psycho-Oncology, 18(7); 735-746.
- Bartley, S. J, Judge, W, & Judge, S. (2007). **Antecedents of marital happiness and career satisfaction: an empirical study of dual-career managers**. Journal of Business and PublicAffairs, 1(1); 1-14.
- Becchetti, L., & Rossetti, F. (2009). **When money does not buy happiness: the case of frustrated achievers**. Journal of Socio-Economics, 38; 159-167.
- Blanchflower, D.G., & Oswald, A. J. (2004). **Money, sex and happiness: an empirical study**. Scandinavian Journal of Economics, 106 (3); 393-415.
- Dakin, J & Wampler, R. (2008). **Money doesn't buy happiness, but it helps: marital satisfaction, psychological distress, and demographic differences between low - and middle income clinic couples**. American Journal of Family Therapy, 36; 300-311.
- Davies, H.D, Newkirk, L. A, Pitts, C. B, Coughlin, C. A, Sridhar, S. B, Zeiss, L. M & Zeiss, A. M. (2010). **The impact of dementia and mild memory impairment (MMI) on intimacy and sexuality in spousal relationships**. Journal of International Psycho geriatric, 22(4); 618-628.
- Duncan, K. A, & Harvey, C. D. Sommer, R & Lo Wa Tsang, L. (2003). **The Effects of children, dual earner status, sex role traditionalism, and marital structure on marital happiness over time**. Journal of Family & Economic Issues, 24; 5-26.
- Field, A. (2005). **Discovering statistics using SPSS, Introducing statistical methods**. 2th ed, London: Sage Publications, 214.

- Goodman, B.W & Crouter, A. C. (2009). **Longitudinal associations between maternal work stress, negative work-family spillover, and depressive symptoms.** *Interdisciplinary Journal of Applied Family Studies*, 58; 245-258.
- Gottman, J. M. (1993). **What predicts divorce: The relationship between marital process and marital outcomes.** Hillsdale, N. J: Erlbaum.
- Haddock, S.A. (2002). **A content analysis of articles pertaining to therapeutic considerations for dual income couples (1979-1999).** *The American Journal of Family Therapy*, 30; 141-156.
- Halford, W. K. (2002). **Best practice in couple relationship education.** *Journal of Marital and Family Therapy*, 29(3); 385- 406.
- Hall, D. (1996). **Marriage as abuse relationship.** *Journal of comparative family studies*, 27; 1-12.
- Hossein khazadeh, A.A & Niyazi, E. (2011). **Investigate relationships between religious orientation with public health and marital satisfaction among married students of university of Tehran.** *Procedia Social and Behavior Science*, 15; 505-509.
- Huston, T.L., Coughlin, J.P., Houts, R.M & Smith, Sh.E. (2001). **The connubial crucible: Newlywed years as predictor of marital delight, distress and divorce.** *Journal of Personality & Social Psychology*, 80(2); 232-252.
- Jean King, J. (2005). **Gender Ideology: Impact on dual-career couples' role strain, marital satisfaction, and life satisfaction [Dissertation].** Texas: A & M University.
- Loughran, D.S & Zissimopoulos, J. M. (2007). **The effect of marriage and childbearing on wages of men and women.** *The Journal of Human Resources*, 44; 326-349.
- Mozurekewich, E. L. (2000). **Working condition and adverse pregnancy outcome.** *Obstetrics and Gynecology*, 95(4); 623-635.
- Ratra, A & Kaur, P. (2004). **Marital preparedness, marital satisfaction and economic status.** *Journal of Human Ecology*, 15 (1); 27-29.
- Rogers, J. S & De Boer, D. D. (2001). **Changes in wives' income: effects on marital happiness, psychological well-being and risk of divorce.** *Journal of Marriage and Family*, 63; 458 – 472.
- Rosen - Grandon, J. R, Myers, J. E & Hattie, J. A. (2004). **The relationship between marital characteristics, marital interaction processes and marital satisfaction.** *Journal of Counseling & Development*, 82(1); 58-68.
- Stutzer, A & Frey, B. S. (2006). **Does marriage make people happy, or do happy people get married?** *Journal of Socio - Economics*, 35; 326-347.
- Taniguchi, S.T, Freeman, P.A, Taylor, S & Malcarne, B. (2006). **Study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation.** *Journal of experiential education*, 28(3); 253-256.